



عادت

دانشجو شولی

واز خوابگاه واز حجم کم اینترنت وحجم بالای ثانیه هایی که مجبورند سر کلاس بنشینند تامدرکی بگیرند برای نازکی کار وحقوق بالا!!!!

باید بوفه هارا تعطیل کرد! باید عینک فروشی زد، مدت هاست که یا کور شده ایم یا فقط اطراف خودرا میبینیم! البته برخی مان خوب می بینیم، خیلی هم خوب می بینیم، اما فقط خودمان را!!!! به نظربنده برای جامعه ی دانشجویی، هیچ توهینی بالاتر از این وضعیتی که امروز دچار آن است وجود ندارد.

پس بیاییم در روز دانشجو با دیدی دیگر به دانشجو شدنمان نگاه کنیم!!

پ.ن: شولی نوعی آش شل است که در یزد طبخ میشود.

مومیایی کرده ودر تابوت، درقعر این هرم نابودی بگذارند.

دانشجویان عزیز بیدار شوید از این خواب عدم، از بین ببرید بندهایتان را، بشکنید تابوت های خود ساخته را!!!! تابوت نمی توانم، تابوت بی هدفی، تابوت بی تحرکی وتابوت به من چه؟؟؟؟!!!!

اساس تمامی موجودات زنده وغیر زنده تحرک است. آبی که راکد باشد می گندد، انسانی که تحرک نداشته باشد، انسان نیست! شاید هم باشد ولی قطعا از نوع لفی خسر!!!!

دغدغه دانشجوی امروز فقر وغنا نیست، استکبار واستضعاف، طرفداری از مظلوم نیست! انسان بودن نیست! منفعت است، آن هم نه اجتماعی بلکه شخصی!!!!!!

تا میگوی انتقاد صحبت از سلف می کنند

باشد، کاوش کند! قرار بود محکم باشد، در راه حق استخوان بترکند. اما گویا بی استخوان شده شل شده، به گمانم دیگر عصب هم ندارد!

مگر این همه رخوت وبی خیالی مسبوق به سابقه بوده است؟؟؟؟!!!!

قرار بود دنیا را جای بهتری کنیم، قرار بود با مثلث تهذیب، تحصیل و ورزش عروج کنیم! نه اینکه در برمردای سلف، کلاس، خوابگاه غرق شویم!!!! افرادی که سعی میکنند خودرا از چنگال این برمردا برهانند وبالا بیایند، به نوک هرم نزدیک تر می شوند، رشد میکنند، کامل میشوند اما افرادی که بر فرو رفتن هرچه بیشتر در این مثلث، مصر هستند، سرنوشتی جز مرگ در انتظارشان نیست!!!! باید احساسشان، نشاط شان وانسانیت شان را

فرهنگی - فاطمه ابراهیمی

در دهه هشتاد یک بحثی بود به نام دانشجو پولی!

در آن زمان وتا این زمان برخی توانسته اند با پول به پای زحمات برخی دیگر برسند وباهم سر یک کلاس نشسته ومدرک یکسان دریافت کنند! فارغ از پدیده ی دانشجوی پولی، گویا پدیده ای دیگر دامن دانشجویان دهه نودی را لکه دار کرده است به نام دانشجو شولی!!!!!! دانشجویی که می بایست دانش را بجوید، بجور و وجود، اکنون جویده خوار شده است.

قرار بود دانشجو قائم باشد، موثر

جایگاه زنان از گذشته تا کنون

که در عصر حاضر، زن غربی سخن از «حقوق زن» و «آزادی» می زند، اما این حقوق و آزادی برای او نه به طور طبیعی و احراز اصالت انسانی و کرامت ذاتی او حاضر شده است، بلکه بیشتر محصول سودجویی هرچه بیشتر سرمایه داران و کارخانه داران غربی بوده است که زنان را کارگران مفت و با ارزش ارزیابی کرده اند و به عبارتی دارد زن را به همان کالای بی ارج و منزلت دوران جاهلی مبدل میسازد البته اینبار با الفاظی زیبا و رنگ و لعابی فریبنده که البته پس از سالیانی که این اندیشه رواج یافته هم اکنون بسیاری از انانی که این راه را رفته اند دریافته اند که به بیراهه رفته اند و باید تغییر مسیر داد که این را میتوان از کتب آنها همچون ده دروغ فمینیسم اثر سو بوهلین امریکایی، شش نینرنگ فمینیسم اثر بابت فرنسیس استرالیایی و ده ها اثر دیگر آنها فهمید. در این بحبوحه امید است که زن مسلمان قدر خود و ارزش جایگاه والایی که دین مبین اسلام برای او تعیین کرده را بداند و هم خود و هم جامعه ای که حاصل تربیت وی میباشد را از ورطه ی نابودی و اضمحلال دور سازد.

آن مرد باشد و چه زن. قرآن بر خلاف آرا و نظرات فلسفی زمان خود و برخلاف عادات و رسوم زمان های متأخر، شخصیت زن و مرد را در حقیقت و ذات انسانی یکی می داند و آن دو را مکمل و پوشاننده ی عیوب یکدیگر میداند و در بسیاری از آیات روی مساوات زن و مرد تأکید کرده و عبارت «بعضهم من بعض» را تکرار می کنند و بعد برای احترام شخصیت زن و کرامت او و حمایت از عمل و کارکرد او از نظر مادی، معنوی، اقتصادی و سیاسی قوانینی را تنظیم کرده است. قرآن درباره ی قرابت و خویشاوندی حق ارث زنان را محترم می شمارد و به همه ی حقوق و مزایای او در شئون زندگی احترام قائل است. قرآن در همه ی آیات خود، زن را از حق تصرف در اموال خود منع نمی کند و هرگز اجازه نمی دهد که ازدواج بدون رضایت او واقع شود و احدی را بر او تحمیل نمایند.

در اندیشه ی اسلامی زن به عنوان فرزند رحمتی است از جانب خداوند، به عنوان همسر ریحانه ایست که باید در مقابل او جانب ملاطفت را در پیش گرفت و به عنوان مادر فرشته ایست که بهشت در زیر پای اوست! این در حالیست

حقوق انسانی محروم بودند. در یونان، زن جزء کالاهای تجارته در بازارها خریدو فروش می شد و بعد از وفات شوهر حق زندگی نداشت. در هند وقتی مرد می مرد برای رهایی روحش از تنهایی زن را با او زنده زنده می سوزانند و این سوختن را نوعی فداکاری و عشق زن به همسر قلمداد می کردند. در میان یهودیان زن جزئی از ارث پدر به شمار می آمد در میان مسیحیان نیز فحشا بیشترین رشد خود را در دوره رواج رهبانیت و زهد افراطی میان مردان و زنان مسیحی داشت.

اما اسلام با ظهورش، غبار غلیظ مظلومیت و ذلت را از این مخلوق الهی و شریک زندگی مرد، پاک کرد و به طرق مختلف کرامت ذاتی زن را آشکار ساخت. سنن جاهلی و رفتارهای غیر انسانی با زنان را تقبیح نمود و همگان را به رفتار نیکو و ادای حقوق انسانی زنان تشویق و موظف ساخت. ملاکهای ارزشی را در جامعه دگرگون کرد. نه مرد بودن را ملاک کرامت شمرد و نه زن بودن را نشانه نکبت و بدبختی، بلکه معیار را تقوا و خویشتن داری در برابر گناه و نافرمانی خدا شمرد، چه دارنده

اجتماعی - زینب فتحی

تاریخ بشریت مشحون از ستم های بی شماری است که از سوی قدرتمندان علیه محرومان و مظلومان اعمال گشته است اما در این میان زن به عنوان نیمی از بشریت گرفتار ظلمی مضاعف نیز بوده است.

با نگاهی به تاریخ میتوان دریافت که در گذر زمان جایگاه زن در جامعه تحولات بسیاری داشته است اما اگر قرار باشد که مهم ترین آنها را برشمرد میتوان به: ۱- اندیشه ی حاکم در دوران پیش از اسلام، در جای جای عالم از حجاز تا ایران و روم و یونان باستان ۲- اندیشه ی اسلامی ۳- اندیشه ی به ظاهر روشن فکرانه و آزادی گرایانه ی غربی بعد از انقلاب صنعتی اشاره کرد. که در ادامه به توضیح مختصر در رابطه با آنها خواهیم پرداخت.

زن در عصر جاهلیت در مظلومیت بسر میبرد نه تنها در جامعه جاهلی حجاز، بلکه در جوامع به ظاهر متمدن آن روز یعنی ایران و روم نیز زنان تحت ستم مردان بوده و از کمترین



مصاحبه با استاد تمام فیز یولوژی //

تولید مقاله از تولید علم سبقت گرفته

مصاحبه _ محمد شبانی



صعودی انتشار مقاله با تولید کم علم فقط دانشگاه و اساتید نیستند بلکه سیاست های بالادستی خود محرکی برای روند کنونی اند به طوری که هیئت علمی برای ارتقاء باید به هر قیمتی مقاله منتشر نماید. در بخش دیگری از مصاحبه در زمینه برخی از انحرافات دانشگاه از آیین نامه ها از ایشان سوال شد: **چرا برخی از قانون ها وجود دارند ولی در مقابل عدم اجرای آن ها واکنشی را از طرف مسئولین مربوطه نداریم (مثل استعمال سیگار و...)?** در همه جای دنیا از جمله آمریکا و کشورهای اروپایی وقتی قانونی وضع می شود همه افراد موظف به اجرای بی چون و چرای آنان هستند، مثلاً در دانشگاه های آمریکا وقتی گفته می شود نباید اعتیاد در دانشجو باشد، به محض مشاهده علائم اعتیاد از دانشگاه اخراج می گردد. بنده معتقدم اگر یک یا دو مورد اخراج در دانشگاه دلیل اشاعه چنین فرهنگ هایی که خلاف قانون هستند اتفاق بیافتد، دیگر شاهد این موارد نخواهیم بود. به نظر من آقایان مسئول، اشاعه سیگار و فرهنگ رهاشدگی را به بی توجهی گرفتن و خودشان مایل به جمع نمودن این افراد نیستند.

سخن آخر: یک مسئول اگر بخواهد ببیند واقعا بود و نبودش فرقی دارد یا خیر، چند روز مسئولیتش را رها کند اگر کاری لنگ ماند، نشان می دهد حضورش لازم است والا...

طی مصاحبه ای که در ۱۳۹۸/۵/۶ در زمینه کیفیت و کمیت پژوهش و تحقیقات در دانشگاه علوم پزشکی کاشان با دکتر محمود سلامی استاد تمام فیزیولوژی، سرپرست سابق دانشکده دندانپزشکی و عضو شورای فرهنگی انجام شد سوالات زیر مطرح و از طرف ایشان به آنها پاسخ داده شد:

چالش دانشگاه و کشور در زمینه پژوهش چیست؟ تبدیل پژوهش به تجارت (تبدیل ریسرچ به بیزینس) هر چند این چالش مخصوص کشور ما نمی باشد، اما دلیل اصلی آن عدم ارزش گذاری بر طرح های تحقیقاتی است. بسیاری از این طرح های تحقیقاتی برای کشور ما با شرایط حاضر اصلاً کاربردی ندارد، این در حالی است که ممکن است همین طرح ها در کشورهای دیگر بسیار لازم و ضروری باشد. البته بنده با اصل پروپوزال نویسی مخالفتی ندارم چون کمیت مقالات نیز یک معیار علم سنجی در جهان محسوب می شود. هر چند خودم اولین مقاله ISI را از این دانشگاه منتشر نمودم اما هیچ محصولی از آن حاصل نشد البته بنده نمی خواهم بگویم که هر مقاله باید منتهی به یک محصول شود اما اگر اساس درستی پیش گرفته شود، می توان از مجموعه ای از تحقیقات به یک محصول مناسب دست یافت. و من معتقدم در شرایط کنونی تولید مقاله از تولید علم در کشور ما سبقت گرفته است. مقصر این روند

باتلاق پذیرش

فرهنگی _ فاطمه بوجار

های اقتصادی در پی دارد؛ موضوعی که ایران در سطح بین المللی با آن مواجه است. در اصل رویکرد رسانه های بیگانه نسبت به اتفاقات داخل ایران وحتى سیاست های آن در سطح منطقه تنها اطلاع رسانی و تحلیل واقعیت نیست. بلکه آنها در یک نبرد نابرابر با اندیشه مخاطب، راست و دروغ را بهم می آمیزند و حقیقت را بصورت وارونه به سمت ذهن ناآگاه او شلیک می کنند و بخشی از آنچه هست را نمایش می دهند و حتی به مخاطب القا می کنند که بی طرف، خیرخواه و راستگو هستند در صورتی که تجربه در وقایع گذشته نشان داده که اینطور نیست. در دنیای مدرن امروز گریزی از رسانه نیست ولی برای فرو نرفتن در خواب خرگوشی باید اخبار و تحلیل هر رسانه را آگاهانه دنبال کرد. تمایل نداشتن به آگاهی در مورد رسانه و اخبار آن سبب غرق شدن نیروی جامعه در باتلاقی می شود که در آن مخاطب براحتی هر چیزی را می پذیرد بدون آنکه بداند اصل ماجرا چه بوده و نتیجه نهایی این بازی با فکر مخاطب ناامیدی و ضربه به خودی خواهد بود چون پس از مدتی او دیگر تنها مخاطب آن رسانه نیست بلکه سربازی در زمین مورد هدف رسانه است.

رسانه ها از اواسط دهه ۸۰ به بعد بطور جدی وارد زندگی روزمره مردم شدند. در این میان فعالان عرصه سیاست و اقتصاد بیشترین بهره را از این تیغ دولبه بردند. حذف رسانه از هر جامعه به معنی فلج کردن آن است و انسان امروز خواه یا ناخواه مجبور به استفاده از ابزارهای اطلاع رسانی است. سیاستمداران با دریافتن این موضوع سعی کردند از رسانه ها برای پیش برد اهداف خود استفاده کنند. در استفاده از رسانه برای دستیابی به مقصود، سیاستمداران حداقل به اندازه یک دهه از مردم عادی جلو هستند شاید بتوان گفت از اواسط دهه ۹۰ بود که مردم فهمیدند با ایجاد فشار رسانه ای می توانند مطالبه گری کنند، به حقوق خود دست یابند و از مسئولین در قبال کم کاری هایشان پاسخ بخواهند. از انتخابات سال ۸۸ تا گرانی های سال ۹۷ و دامن زدن به دروغ فحطی در ایران و امروز ماجرای ورود زنان به ورزشگاه ها وقایع بسیاری را می توان نام برد که در آن رسانه های خارجی و بعضاً داخلی با ایجاد جو موضوع را به بیراهه کشانده اند و سبب التهاب بیش از حد جامعه ایرانی شده اند. رسانه برای عموم مردم نقش اطلاع رسانی را ایفا می کند، برای قشر آگاه و دغدغه مند جامعه وسیله ای برای مطالبه گری و اعتراض به فساد و نامدیریتی موجود در دستگاه ها محسوب می شود اما برای صاحبان قدرت و ثروت یک سلاح است. جنگ رسانه ای و بایکوت اطلاعاتی اثراتی به مراتب مخرب تر از تحریم

رئیس کدوم جمهور؟

سیاسی _ حسین فرید افشار

به صدا و تصویر روحانی در اولین ارتباط او با مردم بعد از حوادث تلخ بنزینی نگاه کنید، خبری از تأسف و تأثر و عذرخواهی و پوزش طلبی وجود دارد؟! هیچ نشانه ای از همدردی و مرهم گذاری بر تن زخم دیده ایرانیان در این حوادث تلخ دیده می شود؟! ادبیات و زبان بدنش، شبیه دوره می خاطرات دوران سربازی در آسایشگاه ها و یا دوره دانشجویی در خوابگاه است، دوره می های شاد و خاطره انگیز و پر از نوستالژی! انگار نه انگار که او مسبب اصلی حوادث تلخ این روزهاست. انگار نه انگار که پیکر ملت ایران زیر بار تصمیمات و حکمرانی او زخم خورده است و به مرهم نیاز دارد نه نمک! این ادبیات «بی خیال دموکرات» و این «زبان بدن خندان و بشاش»، بعد از زخم خوردن پیکر ملت ایران و ریخته شدن خون عده ای بی گناه در حوادث بنزینی روزهای اخیر، چقدر تراژیک و دردناک است! شهید صیاد شیرازی در خاطره ای از شهید چمران گفته بود وقتی او را علی رغم داشتن پست وزارت دفاع در خط مقدم جبهه دیده است، شورانگیزانه تعجب کرده است و گفته است خدایا چطور ممکن است این فردی را که در خط مقدم جبهه دفاع از اسلام و انقلاب و مردم می بینم وزیر دفاع ج.ا.ا باشد؟ اگر الان صیاد شیرازی زنده بود و این نمایش مبتذل روحانی را می دید با خود چه می گفت؟ از چه تعجب می کرد؟ آیا او باور می کرد که این فرد رئیس جمهور انقلاب اسلامی است؟ آیا سؤال نمی کرد این انسان بی خیال، بی احساس و بی عاطفه و بی مسئولیت می تواند رئیس جمهور کشوری باشد که رجایی مستضعف گرا و سرشار از احساس مسئولیت نسبت به درد و رنج مردم، رئیس جمهور او بوده است؟! چمران پشت پا زده به لذت های دنیا و خادم شیعیان محروم لبنان، وزیر دفاع آن و بهشتی عدالت خواه و ضد سرمایه داری سیدالشهدای آن بوده است؟! به راستی روحانی رئیس کدوم جمهور است؟ جمهوری ای که بیش از دویست هزار شهید و چند برابر جانباز برای شکل گیری و بقاء و استمرارش قربانی شده است؟! جمهوری ای که هروقت هزینه ای لازم بوده است، مستضعفین پیش قدم بوده اند و هروقت فرصتی و امکانی بوده است، از فهرست ها حذف شده اند؟! جمهوری ای که محرومانش برای بقاء و زنده ماندن و نه زندگی کردن، هر روز دارند با غول گرانی و عفریته بی پولی و اژدهای هفت سر فقر دوئل می کنند و عزت و کرامت که هیچ، برای سیر ماندن و سیر کردن خانواده می جنگند؟! جمهوری ای که تلاطم های تلخ آبان ۹۸ و دی ۹۶ و اعتراضات دهه ۷۰ را امثال روحانی رقم زدند اما اینها تا پای جان برای حل آنها فداکاری کردند؟!

جناب روحانی رئیس هر جمهوری که بتواند باشد، نمی تواند رئیس این جمهور باشد!

معرفی کتاب _ مریم حیدری

جنبش دانشجویی در ایران قدمتی به اندازه عمر دانشگاه ها و نهاد آموزش عالی دارد و نتیجه واکنش دانشجویان به مشکلات جامعه و بازتاب دغدغه های آنان در قبال حل معضلات است. این اثر روایت های دانشجویان قدیم و فعلی از روند جنبش دانشجویی در برهه های مختلف و میزبان تأثیر گذاری آنان در سیر حوادث



شناسنامه:

صاحب امتیاز:

جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان

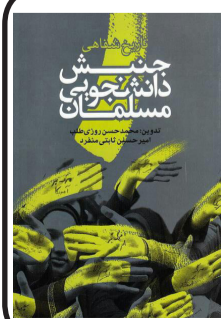
مدیر مسئول: علی براهیمی

سردبیر: فاطمه ابراهیمی

طراحی و صفحه آرایی: موسسه شمیم (۰۹۲۱۱۶۲۷۳۵۲)

هیئت تحریریه: محمد شبانی، زینب فتاحی، فاطمه بوجار،

مریم حیدری، حسین فرید افشار



می باشد. اطلاعات این کتاب برخی از گره های تاریخی را باز و سوال های مهمی را مطرح می کند. نظیر: چرایی حذف لیبرال در سال ۱۳۶۰ که باید بازتابش را در تمام ابعاد بررسی کرد یا ماجرای انقلاب فرهنگی در دانشگاه ها و وضعیت دانشگاه ها در دوران هشت سال دفاع مقدس و دوران اصلاحات.